

## شباهت‌های ازدواج سفید با نکاح معاطاتی

یکشنبه ۱۴ تیر ۱۳۹۴ ۹:۵۳ کد خبر: 356002

فقهاء در نکاح معاطاتی حکم کرده‌اند که باید همه شرایط ازدواج دایم و موقت رعایت شود و مثلاً در عقد موقت شروط از جمله ذکر زمان و مهریه ... باید مراعات گردد.

به گزارش شبکه اطلاع رسانی راه دانا، به نقل از مهرخانه، در یادداشت‌های گذشته درباره همباشی (ازدواج سفید)، بیان شد که در حقیقت این ازدواج، زندگی مشترک میان زن و مرد، بدون انشاء صیغه عقد دایم یا موقت است که طرفین فارغ از مراسمات شرعی و عرفی، با رضایت و توافق، زندگی خود را در مکان مشترکی آغاز می‌کنند، اما هیچ کجا زوجیت آن‌ها نه به طور شرعی و نه به صورت قانونی ثبت نخواهد شد. از سویی آن‌ها وظیفه و تعهدی نسبت به یکدیگر نخواهند داشت و هر زمان که یکی از طرفین خواستار رهایی از این زندگی و جدایی باشد، زندگی مشترک آن‌ها بدون طلاق شرعی و قانونی پایان می‌یابد.

سپس این سؤال طرح شد که آیا همباشی‌هایی که ازدواج سفید نامیده می‌شود، قابل انطباق با نکاح معاطاتی است؟ و یا همباشی و رابطه غیرمشروع است؟

بر این اساس در یادداشت پیشین دیدگاه فقهای مخالف صحت نکاح معاطاتی که اکثر فقهای امامیه را تشکیل می‌دهد، تبیین شد. در این نوشتار قصد بر آن است تا دیدگاه موافقان صحت نکاح معاطاتی، تشریح شده و به قضاوت بنشینیم که طبق نظرات فقهای امامیه، آیا این همباشی منطبق با نکاح معاطاتی است یا خیر؟

### یادداشت پیشین دیدگاه فقهای مخالف صحت نکاح معاطاتی

طبق بیان گذشته، نکاح معاطاتی از دواجی است که با قصد انشاء زوجیت شرعی، به واسطه فعلی که عرفاً و صراحتاً دلالت بر نکاح کند، انشاء عقد صورت می‌گیرد. در فقه امامیه در عقد نکاح همانند عقود دیگر، قصد و اراده از ارکان اصلی آن محسوب می‌شود، اما از سوی دیگر این اراده طرفین باید از طریق اظهار شود و از نظر فقهاء، اظهار آن باید با الفاظی صریح در بیان مقصود صورت گیرد. عقد ازدواج چون امری مهم تلقی می‌شود، بر بیان صریح اراده در آن تأکید شده و از دیدگاه غالب فقهاء، لفظ قوی‌ترین مظهر این اراده دانسته شده است. بر این اساس هیچ‌یک از فقهای صاحب نام قایل به صحت نکاح معاطاتی نشده‌اند، اما در این بین برخی از فقهای معاصر برخلاف دیدگاه مشهور، به صحت این نکاح حکم کرده‌اند.

در همین زمینه: همباش‌های ایرانی، راهکارهای دینی و چند پرسش

در همین زمینه: آیا از نظر فقهای امامیه، ازدواج بدون خواندن صیغه صحیح است؟

طبق بیان گذشته، نکاح معاطاتی ازدواجی است که با قصد انشاء زوجیت شرعی، به واسطه فعلی که عرفاً و صراحتاً دلالت بر نکاح کند، انشاء عقد صورت می‌گیرد. در فقه امامیه در عقد نکاح همانند عقود دیگر، قصد و اراده از ارکان اصلی آن محسوب می‌شود، اما از سوی دیگر این اراده طرفین باید از طریقی اظهار شود و از نظر فقهاء، اظهار آن باید با الفاظی صریح در بیان مقصود صورت گیرد. عقد ازدواج چون امری مهم تلقی می‌شود، بر بیان صریح اراده در آن تأکید شده و از دیدگاه غالب فقهاء، لفظ قوی‌ترین مظهر این اراده دانسته شده است. بر این اساس هیچ‌یک از فقهای صاحب نام قایل به صحت نکاح معاطاتی نشده‌اند، اما در این بین برخی از فقهای معاصر برخلاف دیدگاه مشهور، به صحت این نکاح حکم کرده‌اند.

در همین زمینه: همباش‌های ایرانی، راهکارهای دینی و چند پرسش

در همین زمینه: همباش‌های ایرانی، راهکارهای دینی و چند پرسش، (در همین زمینه، همباش‌های ایرانی، راهکارهای دینی و چند پرسش)

در همین زمینه: آیا از نظر فقهای امامیه، ازدواج بدون خواندن صیغه صحیح است؟

در همین زمینه: آیا از نظر فقهای امامیه، ازدواج بدون خواندن صیغه صحیح است؟، (در همین زمینه، آیا از نظر فقهای امامیه، ازدواج بدون خواندن صیغه صحیح است؟)

آیت‌الله صادقی‌تهرانی از جمله فقهای معاصر موافق با صحت نکاح معاطاتی است. ایشان در کتاب خود می‌نویسند: «عقد یا قرارداد ازدواج به هر زبانی که باشد، درست است و اگر هم بدون لفظ ویژه‌اش که اُنْكَحْتُ - نکاح کردم - باشد؛ در صورتی که جریانی نمایانگر زناشویی میان مرد و زنی انجام گردد، چه با نوشتن و یا گفتن و یا اشاره و هر طوری دیگر که به روشنی دلالت بر انجام ازدواج کند کافی است، و تنها طلاق است که چنان که خواهد آمد، در صورت امکان نیازمند به لفظ است و بالاخره اگر هم لفظ در انجام ازدواج شرط باشد، در اختصاص الفاظ خاصی که معمول است نیست، بلکه هر لفظی که دلالت بر انجام ازدواج کند، کافی است. لکن شرایط دیگرش نیز باید رعایت گردد که در عقد منقطع از جمله زمان آن است که تا چه زمان و با چه شرط. عمده این است که معلوم باشد قضیه رفیق‌بازی و زنا در کار نیست، بلکه مقصود زناشویی و تشکیل زندگی جدید است؛ چه دایم‌اش و چه موقتش. در صورتی که صیغه عقد بخوانی که چه بهتر و دلالتش هم روشن‌تر است، بر حسب دو آیه: «رَوَّجْنَاكُهَا» (سوره احزاب، آیه 37): و «إِنِّي أَرِيدُ أَنْ أُنْكَحَكَ أَحَدَى أَبْنَتِي هَاتَيْنِ» (سوره قصص، آیه 27) «می‌خواهم تو را به نکاح یکی از دخترانم در آورم» کافی است. (1) «...»

موافقان نکاح معاطاتی در اثبات دیدگاه خود به ادله‌ای از آیات و روایات استناد کرده‌اند:

**آیات**

یکی از مهم‌ترین ادله صحت نکاح معاطاتی، ادله‌ای است که بر لزوم وفای به عهد و پیمان دلالت دارد. در قرآن کریم آمده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادها [ی خود] وفا کنید» (سوره مائده: آیه 1) همچنین در آیه دیگر پروردگار می‌فرماید: «و اوفوا بالعهد انّ العهد كان مسئولاً: و به پیمان [خود] وفا کنید؛ زیرا که از پیمان پرسش خواهد شد.» (سوره اسراء: آیه 34).

کلمه "عقود" در آیه جمع عقد است، و عقد به معنای گره زدن و بستن چیزی است به چیز دیگر. همچنین در عهدها و پیمانها کلمه عقد را اطلاق کردند، چون اثری که در گره زدن است، در اینها نیز وجود داشت و آن اثر عبارت بود از لزوم آن پیمان و التزام در آن. چون عقد- که همان عهد باشد- شامل همه پیمانهای الهی و دینی که خدا از بندگانش گرفته می‌شود و نیز شامل ارکان دین و احکام تشریحی و امضایی و از آن جمله شامل عقد معاملات و غیره می‌شود، و چون لفظ "العقود" جمع محلی به الف و لام است، لا جرم مناسب‌تر و صحیح‌تر آن است که کلمه "عقود" در آیه را حمل کنیم بر هر چیزی که عنوان عقد بر آن صادق است. (2)

بر این اساس عقود در آیه مطلق بوده و بدون قید آمده است و در صدق مفهوم عقد، لفظ دخالتی ندارد. آنچه در یک عقد ضرورت دارد، تراضی طرفین برای ایجاد یک اثر حقوقی است، اما مظهر آن می‌تواند هر طریق ممکن اعم از لفظ، کتابت، اشاره و ... باشد. بنابراین فرقی میان عقد نکاح و بیع نبوده و چون معاطات نیز عقد است، براساس آیه لازم الوفاء است.

امام خمینی (ره) جریان معاطات را در عقد نکاح به دلیل سیره مسلمین و اجماع فقها نمی‌پذیرند، با وجود این، ایشان با توجه به آیه و قاعده لزوم وفای به عقد، درباره معاطات می‌فرمایند: «مقتضای قاعده، جریان معاطات در هر عقد و ایقاعی است که انشاء آن به فعل ممکن باشد؛ زیرا فعل نیز مانند قول، وسیله ایجاد و ایقاع اختیاری است» (3).

برخی اشکال کرده‌اند که در برخی از عقود چون وصیت و نکاح، امکان ایجاب فعلی وجود ندارد. در عقد نکاح نیز انشاء زوجیت با یک فعل ممکن نیست؛ زیرا افعال دال بر عقد از دواج مانند تماس جنسی، دست دادن و ... تا پیش از رابطه زوجیت حرام است و افعال حرام نمی‌توانند وسیله‌ای برای ایجاد رابطه زوجیت حلال شوند. بنابراین باید ایجاد رابطه زوجیت باید با لفظ ایجاد گردد.

عده‌ای از فقهاء در پاسخ به این نقد بیان کرده‌اند که در عقد نکاح نیز انشاء فعلی ممکن است؛ زیرا افعالی که به کمک آن می‌توان اعلام اراده کرد و ایجاب و قبول را محقق ساخت، منحصر در موارد حرام نیست. طرفین می‌توانند به کمک بعضی کارهای مجاز و حلال، قصد خود را به یکدیگر به صراحت اعلام کنند. مانند این‌که زن جهیزیه بخرد و آن را به منزل مردی که قصد از دواج با او را دارد ببرد (4).

طبق بیان در برخی کتب فقهی، معاطات در مطلق معاملات و عقود جریان دارد، اما مراد آن نیست که هر فعل یا اشاره‌ای مظهر است، بلکه باید اسباب عقلایی مظهر صریح عقد باشند. (5)

## روایات

موافقان صحت نکاح معاطاتی، به تعدادی از روایات موافق دیدگاه خود استناد کرده‌اند.

در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که حضرت فرمود: زنی نزد خلیفه دوم آمد و اظهار داشت: من زنا داده‌ام، مرا (از طریق اجرای مجازات) تطهیر کن. خلیفه دستور رجم داد. خبر به امام علی (ع) رسید و حضرت از زن پرسید چگونه زنا داده‌ای؟ او در پاسخ بیان داشت: از بیابانی می‌گذشتم، سخت تشنه شدم و از یک مرد بیابانی درخواست آب کردم. او از دادن

آب به من خودداری کرد؛ مگر این‌که خود را تسلیم او نمایم. پس وقتی تشنگی مرا از پای درآورد و بر جان خود ترسیدم، به من آب داد و من در قبال خواسته او تمکین کردم. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: به خدای کعبه این تزویج است. (6)

فیض کاشانی درباره این روایت چنین استدلال کرده‌اند که در آن، میان زن و مرد بیابانی توافقی صورت گرفته و الفاظی که دال بر نکاح باشد ردوبدل شده و آب نیز مهریه و یکبار وطی نیز مدت محسوب می‌گردد. در نتیجه رابطه مورد نظر یک نکاح موقت است و امام (ع) نیز فرمود: این نکاح است. (7)

اما بر این حدیث اشکالاتی وارد شده است: اولاً این‌که سند روایت ضعیف است و قابل اعتماد نیست (خویی، 1413ق: ج 10، ص 372؛ ج 12، ص 336)، ثانیاً در بخش اول روایت گفتار زن نشان از گنه‌کار دانستن خود و عدم قصد او بر ازدواج با مرد بیابانی است، اما در پایان روایت ذکر می‌شود که امام (ع) رابطه طرفین را نکاح دانسته‌اند؛ درحالی‌که طبق بیان زن، اصلاً او قصدی بر ازدواج نداشته است؛ بنابراین دلالت روایت نیز قابل استناد و اعتماد نیست، ثالثاً برخلاف بیان مرحوم فیض کاشانی، در روایت هیچ سخنی درباره بیان الفاظ دال بر نکاح دیده نمی‌شود و چنان‌چه به سخن مرحوم فیض پای‌بند شویم، دیگر حدیث بر نکاح معاطاتی دال نخواهد بود؛ زیرا لفظ در آن بیان شده است.

در روایتی دیگر راوی گوید از امام رضا (ع) راجع به زنی پرسیدم که در حال مستی خود را به عقد مردی درآورد و پس از افاقه، کارش را زشت می‌شمارد، ولی به گمان این‌که عقدی که در حال مستی خوانده شد، الزام‌آور است نزد مرد باقی ماند؛ آیا آن مرد بر زن حلال است؟ امام در پاسخ فرمود: «اگر بعد از افاقه، زن نزد مرد ماند، همین ماندن نزد وی پس از افاقه، رضایت وی به نکاح است.» راوی می‌گوید از امام پرسیدم: «فقلت و هل يجوز ذلك التزویج علیها؟» (آیا ازدواج صورت‌گرفته، صحیح است؟) امام فرمود: آری. (8)

این روایت درباره زنی است که هنگام عقد نکاح مست بوده و عقد او به دلیل عدم قصد هنگام مستی، باطل است؛ بنابراین رضایت او پس از عقد نیز موجب صحت آن عقد نخواهد شد. روایت از نظر سند صحیح است، اما درباره دلالت آن نظرات مختلفی مطرح شده است.

دیدگاه مشهور فقهای امامیه آن است که چون حکم در روایت خلاف قاعده است، عمل نکردن به آن ترجیح دارد (9)، عده‌ای معتقدند به دلیل صحت سندی به روایت عمل می‌شود. (10)

عده‌ای احتمال دیگری را مطرح کرده‌اند که عقد در حالت مستی، فاقد اثر است، اما هنگامی‌که زن پس از رهایی از مستی با قصد زوجیت و رضایت خود نزد مرد بماند، نوعی نکاح معاطاتی ایجاد شده و رابطه او پیش از این رضایت، از مصادیق وطی به شبهه بوده است. اگر احتمال اخیر صحیح باشد، این روایت می‌تواند دلیل بر مشروعیت نکاح معاطاتی باشد. (11)

اما طبق بیان برخی از فقهاء دلالت روایت فوق بر احتمالات ذکرشده، چندان واضح نبوده و به همین دلیل روایت از حیث دلالت اجمال دارد (12) و نمی‌توان به آن عمل کرد.

بر این اساس روایات مورد استناد موافقان نکاح معاطاتی، قابل اعتماد نبوده و تنها دلیل این گروه، همان عمومات آیه لزوم وفای به عهد و عقد است.

سخن برخی از معاصرین

برخی از معاصرین معتقدند فقهاء در عقد ازدواج، در جستجوی راهی برای اعلام صریح قصد باطنی هستند و به همین دلیل به لفظ روی آورده‌اند و تنها برای افراد عاجز از تکلم، به‌عنوان طریق جانشین لفظ و با قدری تنزل صریح بر قصد باطنی، اشاره را کافی دانسته‌اند. بنابراین لفظ در عقد موضوعیت ندارد، بلکه طریقت دارد و اگر مبرز صریح دیگری نیز غیر از لفظ یافت شود، کفایت می‌کند.

البته نکته مهم در سخن موافقان آن است که نکاح معاطاتی به هر صورت و در تمام مصادیق آن صحیح نیست؛ زیرا بعضی روش‌های غیرلفظی اعلام اراده صریح نیستند. از این رو، برخی فقهاء ذکر کرده‌اند که اعمالی چون کفش روی کفش گذاردن یا شیرینی به یکدیگر تعارف کردن، برای اعلام قصد ازدواج کافی نیست و برخی از این موافقان در جامعه کنونی وسیله دیگری را که همچون لفظ، صراحت بر اعلام اراده فرد داشته و منشأ زوجیت باشد، کتابت و نوشتن (13) دانسته‌اند و زن پس از آن نمی‌تواند بدون طلاق با دیگری شوهر کند.

عده‌ای نیز بر این باورند که ممکن است در زمان، مکان یا عرف‌های مختلف عمل خاصی دلالت صریح بر عقد ازدواج دو فرد داشته باشد که این عمل می‌تواند جایگزین لفظ شود و نکاح معاطاتی منعقد گردد. این گروه معتقدند همان‌گونه که معاطات مثلاً درباره خرید و فروش سیره عقلاییه بوده، در مورد نکاح نیز ممکن است عرف در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، افعالی را مخصوص عقد نکاح قرار دهد که به معنای تغییر ماهیت نکاح نیست. طبق بیان آن‌ها، بعضی از نمونه‌هایی که ممکن است عرف در زمان یا مکان خاصی آن‌ها را مصداق و مبرز خارجی انشاء با فعل قلمداد کند، عبارت‌اند از: مراسم بله‌بران (صرف‌نظر از الفاظ)، سفره عقد، بردن جهیزیه و پذیرفتن توسط مرد، قرار دادن مهر در دست زن، انداختن پوشش مخصوص بر سر عروس، حلقه به دست کردن و مراسم جشن گرفتن. (14)

پس از بیان دیدگاه‌های موافقان صحت نکاح معاطاتی باید گفت اولاً، تنها دلیل مورد استناد این گروه عموم آیه لزوم وفای به عقد بود؛ ثانیاً، جمع کثیری از فقهای قدیم و جدید با ادله خود که در [یادداشت قبل بیان شد](#)، صحت این نوع نکاح را رد کرده‌اند و بر این امر اجماع نموده و متفق‌القول هستند؛ همچنین مخالفان معتقدند برخلاف عقودی چون بیع که در میان مسلمانان قرن‌ها انجام شده، نکاح بدون خواندن صیغه لفظی در عرف عقلا و سیره مسلمین هیچ‌گاه رایج نبوده است و دیگر این‌که حتی موافقان نکاح معاطاتی نیز انجام هر عملی را دال بر انعقاد عقد نکاح ندانسته‌اند، بلکه آن‌ها هم اعمالی را که صراحتاً و به‌طور مستقیم بر اراده افراد بر عقد ازدواج دلالت داشته و یا اعمالی را که در عرف خاصی صریح در انشاء زوجیت باشد- همچون کتابت- پذیرفته‌اند.

[ر. یادداشت قبل بیان شد](#)، ر. یادداشت قبل بیان شد

### عدم انطباق همباشی (ازدواج سفید) با نکاح معاطاتی

حال پس از بیان دیدگاه‌های فقهاء درباره نکاح معاطاتی، به بحث اولیه یعنی ازدواج سفید برمی‌گردیم و این سؤال را مطرح می‌کنیم که آیا بنا بر نظر فقهای امامیه ازدواج سفید شرعی است یا خیر؟

در پاسخ باید گفت با توجه به نظرات فقهای مخالف و موافق نکاح معاطاتی، مشخص شد که اکثر فقهاء امامیه این نوع نکاح را صحیح نمی‌دانند و حتماً بر بیان الفاظ در عقد نکاح تأکید می‌کنند، اما اگر به نظر موافقان صحت نکاح معاطاتی عمل کنیم، چه‌طور؟! آیا در این صورت ازدواج سفید صحیح بوده و زوجیت این زوجین شرعی خواهد بود؟

در جواب این پرسش باید به مرور شرایط زوجیت در این نوع همباشی پرداخت. همان‌گونه که گفتیم زوجین در این نوع ازدواج بدون بیان صیغه لفظی و بدون ثبت قانونی آن زندگی خود را آغاز می‌کنند، همچنین آن‌ها در اغلب موارد به‌صورت پنهانی بدون اطلاع خانواده‌ها و یا بدون اطلاع بستگان و آشنایان به زیر یک سقف می‌روند، اما طبق دیدگاه موافقان صحت نکاح معاطاتی، عقد ازدواج معاطاتی باید با فعلی انجام شود که به‌طور صریح بر قصد باطنی و اراده طرفین دلالت کند و هر فعلی نمی‌تواند مبرز این قصد باشد؛ مثلاً آبیوه خوردن با هم، برداشتن روسری از سر زن، شیرینی تعارف‌کردن و... دلالت بر انعقاد پیمان ازدواج نمی‌کند. در ازدواج سفید نیز با وجود شواهد، عملی دال بر اعلام صریح قصد طرفین وجود ندارد و ازدواج پنهانی و بدون مراسمات و تشریفات ویژه عقد ازدواج در عرف جامعه ما، واقع می‌شود.

ثانیاً این فقهاء در نکاح معاطاتی حکم کرده‌اند که باید همه شرایط ازدواج دایم و موقت رعایت شود و مثلاً در عقد موقت شروط از جمله ذکر زمان و مهریه ... باید مراعات گردد.

دیگر این‌که همه فقهاء چه موافقان نکاح معاطاتی و چه مخالفان، به‌صورت متفق‌القول معتقد هستند که با منعقدشدن نکاح، زوجیت شرعی منعقد می‌شود و در ازدواج دایم تنها طلاق است که امکان جدایی طرفین و قطع رابطه زناشویی را ایجاد می‌کند و طلاق هم نیازمند الفاظ است و خاتمه عقد موقت نیز نیاز به اتمام زمان صیغه یا بذل مدت از جانب مرد دارد، اما در ازدواج سفید طرفین هیچ اعتقادی به طلاق نداشته و مطابق سخنان خودشان در گفتگوهای اجتماعی، آن‌ها بر این باورند که در این زندگی مشترک هرگاه یکی از طرفین یا هر دو احساس کنند که نمی‌توانند با یکدیگر به این زندگی ادامه دهند و یا علاقه‌مند ادامه زندگی با فرد دیگری هستند، می‌توانند از ادانه و بدون طی‌کردن مراحل طولانی قانونی و شیوه شرعی به زندگی مشترک خاتمه دهند و حتی آن‌ها این زندگی را به نوعی زندگی آزمایشی می‌دانند تا بیشتر با روحیات و خلقیات یکدیگر آشنا شوند و هرگاه به قطعیت در مورد داشتن یک زندگی با آرامش و خوش‌بختی در کنار هم رسیدند، پیمان ازدواج خود را منعقد کنند تا همچون زوج‌های جوانی که پس از مدت کوتاه کارشان به جدایی می‌کشد، به این سرنوشت دچار نشوند.

بنابراین بنا بر اذعان خود افرادی که با ازدواج سفید هم‌خانه شده‌اند، بسیاری از آن‌ها اصلاً این همباشی را زوجیت قلمداد نمی‌کنند، بلکه مرحله آشنایی بیشتر برای ازدواج در آینده و یا هم‌خانگی برای رهایی از مشکلات اقتصادی، روانی و... می‌دانند.

بنابراین این افراد نه به ازدواج شرعی معتقد هستند و نه شرایط نکاح معاطاتی را قبول کرده‌اند، بلکه حتی اگر خواهان زندگی مشترک براساس دین اسلام بودند، برای آشنایی یا به علت هرگونه محدودیت دیگر در ازدواج دایم، حداقل می‌توانند عقد موقت منعقد کنند. دیگر این‌که در ازدواج برای دختران وجود اذن پدر لازم و ضروری است؛ درحالی‌که در بسیاری از این همباشی‌ها حتی خانواده از این موضوع مطلع نبوده و یا بدون اجازه پدران این زندگی‌ها آغاز می‌گردد. همچنین این افراد با آغاز زندگی هیچ‌گونه تعهدی را نسبت به یکدیگر قبول نمی‌کنند و به‌ویژه مردان که طبق تعالیم اسلام قوام بوده و وظیفه تأمین نفقه همسر و فرزندان خود را دارند، با ازدواج سفید از تمام وظایف خود شانه خالی می‌کنند.

همچنین آن‌ها به طلاق شرعی و قانونی نیز اعتقادی ندارند و زندگی خود را بدون توجه به احکام اسلامی خاتمه می‌دهند و به آداب طلاق شرعی، بیان الفاظ در طلاق، داشتن شاهد بر این جدایی و حتی نگهداشتن عده برای زن پس از جدایی از همسر، هیچ پای‌بندی ندارند.

بر اساس این ادله، ازدواج سفید تقریباً به هیچ‌وجه با نکاح معاطاتی در شرع انطباق ندارد و شرایط ازدواج، اذن پدر، طلاق شرعی، عده و ... در آن رعایت نمی‌شود و مهم‌تر از همه آن‌که در هر عقدی، قصد انسان‌ها از ارکان ضروری تشکیل‌دهنده آن است، اما در ازدواج سفید در بسیاری از موارد طرفین قصد زوجیت نداشته و اگر قصد زوجیت نیز داشته باشند، به علت عدم رعایت قواعد زوجیت و طلاق شرعی، زندگی مشترک آن‌ها همچون زندگی بسیاری از انسان‌ها در غرب، تنها نوعی هم‌باشی بوده و تحت زوجیت دینی قرار نمی‌گیرد.

در یادداشت‌های بعدی به تفاوت‌های ازدواج سفید با عقد موقت و وضعیت فرزندان حاصل از این ازدواج و تبعات آن خواهیم پرداخت .

### پی‌نوشت

1. صادقی تهرانی، رساله نوین، ص 281.
2. علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج 5، ص 257.
3. خمینی، سید روح الله: «کتاب البیع»، تهران، موسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی، ج 1، ص 267.
4. خمینی، سید روح الله: «کتاب البیع»، ص 268، به نقل از «مقاله نکاح معاطاتی» فرج الله هدایت‌نیا.
5. خمینی، سید روح الله: «کتاب البیع»، ص 268.
6. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 21: ص 50.
7. فیض کاشانی، الوافی، ج 21، ص 342.
8. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج 7، ص 392.
9. بحرانی، الحدائق الناظره، ج 23، ص 174.
10. نجفی، جواهر الکلام، ج 29، ص 145.
11. فرج الله هدایت‌نیا، مقاله نکاح معاطاتی از منظر فقه.
12. خوانساری، جامع المدارک، ج 4، ص 125.
13. فرج الله هدایت‌نیا، مقاله نکاح معاطاتی از منظر فقه.
14. مهدی سلیمی- عباسعلی سلطانی، نکاح معاطاتی و تفاوت آن با زنا، پژوهشنامه حقوق اسلامی.